

طور مشخص مباحث وجود شناسانه آکسیوس ماینونگ، شاگرد فرانتس برتانو و میراث‌دار فلسفه پدیدارشناسانه هوسرلی، به سه حوزه «مصادیق فیزیکی» که همچون کوه و در و دشت در چتر آفتاب زمان و مکان پراکنده است، «مصادیق خیالی یا فرضی» همچون اعداد و فرضیه‌ها که خارج از مقوله زمان و مکان است و «مصادیق اجتماعی» که به خودی خود زمانمند نیست و به نشانه، یاد، ثبت مجازی بر روی وسایل و اذهان آدمی محدود شده و بنا بر این زمانمند می‌شود (چون از دواج، طلاق، ختم، جشن، تمهید، قرارداد، شرط و...) تقسیم کرده است. در مورد اخیر، این قانون و اعتبار ماست که به آن‌ها جان می‌دهد و ثبت می‌کند و بنا بر این مقید به زمان و مکانی معلوم می‌شود.

اگر یک نشانه خاص و یا یک هستی شناسی در کیفیت شکل‌گیری این ذوات اجتماعی تحقیق نکند، نمی‌توان آن‌ها را تحصیل و ادراک کرد و با کاوش اوست که این مصادیق جان می‌گیرد و ظاهر می‌شود. «فراری» می‌برد تلفن همراه در این میان چه کاره است و در ثبت و تشکیل نشانه‌های اجتماعی چه نقشی داراست؟ نویسنده خود به این پرسش پاسخ می‌دهد که تلفن همراه در این میان وسیله‌ای است که شتاب و نقش آن فراهم آوردن حداکثر زمینه‌ها و شرایط برای پدید آمدن و شکل‌گیری این مصادیق اجتماعی است. مفهوم «ترانساندانس» در فرهنگ شرقی و اسلامی ما دایره‌های وسیع‌تر و کیفی‌تر (الزاماً نه شفاف‌تر) از معادل آن در فرهنگ غرب دارد و تعریض او در این باب معنی خود به تجربه و مفهوم غربی ترانساندانس یعنی «عبور از» است.

اگر فراری می‌داند که در عرفان اسلامی و شرقی، جمع میان غیبت و حضور ممکن است و گاه یکی به معنای دیگری است (متی غیبت حتی محتاج الی دلیل بدل علیک) شاید می‌توانست تقسیم وسیع، روشن و کامل‌تری از این فناوری نو به دست دهد. به باور فراری، تلفن همراه، زمینه همه مصادیق اجتماعی از سینما، تلفن، رادیو، دوربین، ضبط، تلویزیون، ایمیل، نمایش، اینترنت، کارت بیمه درمانی و کارت هویت را در خود گرد آورده است. تلفن همراه تمامی ابزار نگارش و نوشتار را در خود دارد و علاوه بر آن، امکان ذخیره هر نوع نگارش، فیلم، صدا و نشانه‌های در آن موجود است تا هر زمان نیاز بود بتوان آن را بازیابی کرد. فراتر از این حس انسانی را نیز می‌توان با آن ثبت نمود و با نشانه‌ها و شکلک‌های حسی، غم و شادی آدمی را در صندوقچه زمان محبوس کرد و بدان مکالت بخشید. پس کارکردی استثنایی دارد. نویسنده از رویداد پیدایش تلفن همراه در زمانه ما به «عصر پیامبری صدا و تصویر و نوشتار» یاد می‌کند که گذشته ما را در حقیقت به آینده پیوند می‌زند و جمله درین باره خاطر می‌آورد که «چیزی خارج از متن وجود ندارد». او با دفاعی از تک‌توانیسم دریدایی در این کتاب می‌خواهد به ما نشان دهد که از این پس خارج از متن و نوشتار سنتی دریدایی هست که بدون نوشتار و نشانه‌گذاری یا وسایل آن چیزی از جهان اجتماعی ما باقی نمی‌ماند. «امیر تو آکو» که خود در زمره سرشناس‌ترین اندیشمندان جهان امروز ماست در یادداشتی در نشریه ایتالیایی «اسپرسو» به کتاب فراری پرداخته و موضوع آن را با توجه به تأثیری که بر زندگی بشر امروز گذاشته و شیوه‌های رفتاری و زیستی (بظاهر انتحالی) مردم را تعیین می‌کند به عنوان سوزهای فلسفی مورد بررسی قرار داده است. آکو به ویژه در حد صفحه ابتدای این کتاب همچنان زده است. آن‌جا که فراری آنتروپولوژی تلفن همراه را به بحث می‌کشد.

در تلفن ثابت همه می‌توانستند بدانند صاحب شماره هست یا نیست و امروز فقط این صاحب کمیته مخابراتی است که از حضور جغرافیایی من و شما آگاهی دارد و بر آشکار و پنهان من و شما مسلط است.

تصور کنید که فرزندش را می‌خواند کجایی؟ و با جمله‌ای کوتاه، شناور و بی‌تعمین، پاسخی مبهم می‌شود. پاسخ اندک فرزند او آرامشی کاذب می‌دهد. این‌که مادر بداند که او کجاست و چه می‌کند.

به این ترتیب مفاهیم فلسفه اخلاق و اصل حسن و قبح فعل اخلاقی نیز از نو به چالشی نظری افتاده است و تلفن همراه این فناوری مودی نوپدید حکمای اخلاق را سلا می‌دهد تا پنجره‌های نو به افعال آدمی گشوده و رذایل پنهان و فضایل آشکار او را از نو به تفسیر کشانند. تفسیری که بر محور «حضور» می‌چرخد. باید دید که آیا اصل طلایی «امر مطلق» اخلاق کثرت هنوز در عصر شناور تلفن همراه می‌تواند اعتبار و پایداری خود را به عنوان میزان سنجش فعل انسانی حفظ کند. امروز قدرت ارسال فوری نامه‌های الکترونیکی و حتی دیدن تصویر یکدیگر در کمتر از چند ثانیه آن لذت هجر و فراق و سپس در پایان راهی دراز و پر سنگلاخ، آن وصل سنتی را در امواج حرکتی پر چتر و مد ریخته است و چندان می‌تکاند که گویی دستاویزی برای ثبت بالا ساله آن نیست، سهل است که آن لذت کلاسیک نیز بنا به تفسیر فراری دچار قبض و بسط نویی شده است.

عاشق کثی و معشوق آزاری که در ادبیات همه ملل از دیرباز جای بندندی داشته و گاه یک عمر غمازان و دلبران حرفه‌ای را مشغول خود می‌داشته و منظومه‌های بلند برایشان می‌آفریده است. امروز به سرعت رنگ می‌گیرد و سریع‌تر از آن رنگ می‌بازد. امروز مفهوم عشق با تلفن همراه هر چه زمینی تر است و صداقت و لذت در چربان آن‌کیمیای ناپایی است که صید رندان حرفه‌ای نیز نخواهد شد.

افراد به سبک غذای آماده یا «فست فود» اسیر رفح نیازهای آنی خویش اند و اساساً عشق بازی در این زمانه هنر نیست که کار هر هیار پبله وری است که در دست خود این شمشیده نو را دارد. وجود خیالی این انسان عصر تلفن همراه، از مرزهای جغرافیایی پیدایش آشکار می‌گریزد و مرز، حدود و شرایط زمینی متعارف انسان را به هندسه‌های نامرئی در میدانی مغناطیسی پیوند می‌زند که اگر فقط آنتن‌ها در دسترس است و اگر تعداد فایده‌یاب مکان سیار و زمان نقال تلفن همراه، هویت انسانی را به زمان و مکانی گره می‌زند که آغاز و انجامش خود همین انسان است و همین انسان نوزدانی و نومکانی است که منشأ و نقطه آغاز ارتباط با جهان و دیگران می‌شود. همه چیز از او آغاز و به او ختم می‌شود و شناسایی این انسان جدید (یا تلفن همراه) به روایت «فراری» در قالب علوم گذشته از اقتصاد و روانشناسی تا علم و فناوری تعریف نمی‌شود و خود نیازمند هستی‌شناسی دیگری است که نه تنها این حوزه‌ها را از نو تعریف کند که خود او را نیز باید باز تعریف کند.

مولف در بخش دیگری از کتاب به «دست» پرداخته است. عضوی که از میان سایر اعضا بیشترین ارتباط را با تلفن همراه دارد. «دست» همان‌که از حکمت یونانی تا خرد مدرن آن را به «ایزرا مطلق» یا نماینده مطلق قدرت انسان دیرروز تعبیر کرده‌اند و میکل آنژ آن را در تابلوی «خلقت آدم» واسطه تسکوت و لاهوت دانسته، امروز به کمال در تلفن همراه تبلور یافته و حضور دارد و شاید ناخواسته از این روست که در اغلب کشورهای به تعبیر گوناگون به این وسیله نو «دستی» گفته می‌شود. «دستی» همان ربط جامعه شناسانه این مقوله آنتولوژیک است که درگیر با اشیاء پیرامون ماست و واقعیات اجتماعی را تعیین می‌بخشد.

این شیء شناسی بخش دیگر فانتل «فراری» است که او آن را متأثر از فلاسفه آلمانی زبان و اثرپشی (به

T'es où?

Ontologie du téléphone mobile

Préface
d'Umberto Eco



Bibliothèque ALBIN MICHEL Idées

حاضر غایب

دستی‌شناسی تلفن همراه

دکتر رضا بهشتی معز

این بیت از غزل سعدی که «هرگز وجود حاضر غایب شنیدم‌ای سخن در میان جمع و دم جای دیگر است». امروز با ورود تلفن همراه به زندگی مردم دوباره معنا شده است. تلفن همراه پرچم‌ترین نماد پارادوکسیکال و شریء واره «حضور غایب در زمان» ماست. «تو کجایی؟» عنوان کتاب جدیدی است از «موریتز یو فراری» استاد دانش‌گاه در ایتالیا که با نگاه بدیع فلسفی به تلفن همراه به عنوان موضوعی آنتولوژیک پرداخته است. او که یک دریدایی ایتالیایی است، خط متافیزیکی حضور دریدا را در این اثر دنبال کرده و نشان می‌دهد که این بشر دو پا با خلق تلفن همراه تافنای غیبت رفته است و حضور آدمی را همیشه و همه جا امری مسلم و محسوس کرده است. تلفن همراهی که امروز همه کار می‌کند، وسیله بازی است. امداد رسان است، وسیله امر خیر و مصارف خیریه است، جان‌نشین صندلی‌های استادیوم و تئاتر و سینماست، همراه بی‌مراهان است و قاصد عشق و محبت، وسیله کنترل‌های پلیسی است و اسباب نظارت بر فرزند توسط والدین و یا بیمار والدین توسط فرزند و پرستار. می‌توان با آن فیلم سینمایی دید و با کتابی را از اینترنت پیاده کرد و خواند، ترافیک شهر را دید و... فراری می‌برد که چگونه آدمی که طبیعت را مسخر کرده این چنین به دام وسیله کوچکی افتاده است که ابتدا قرار بود فقط وسیله مکالمه باشد و دیگر هیچ؟ فراری به مقوله «حضور» هایدگری باز می‌گردد و اینکه تلفن ثابت پیش از این تا چه حد می‌توانست هویت و حضور تاریخی انسان را تعیین و ثبت بخشد. این که حسن در این ساعت کجاست و یا تقی پاستخویی شما در این ساعت نیست چون در خواب است یا همین در دفتر نیست و فلاتی در این ساعت و این روز در سفر است چون تلفن اشی رنگ بی‌جواب می‌خورد و نشانه‌های تعیینی هستی شناسانه بود.

تلفن همراه اما مرزهای تاریخ و جغرافیا را به هم ریخته و همه چیز را شناور کرده است. بی‌تعینی در همه جا و هیچ‌جا، کجایی؟ معلوم نیست، شاید هر آن‌جا که در وهم ناپیدا در استانبول، اتاق خواب، ماشین، مترو، دفتر و یا دانشگاه! در نزد غریبه یا آشنا، به دروغ یا صادقانه، در آرامش یا استیصال، در خیانت یا خدمت، نزد یک یا دور...! دغدغه‌های مادری را